

در مدح امیرالمومنین علیه السلام

### شرح حال

## مرحوم میرزای قهقی (رحمة الله عليه)

عنداً لولادة و الممات و فی الثری	انت المسکن روع من یتروع
بهنگام ولادت وقت جان دادن بزیر خاک	انیس ما توئی وحشت زدائی دادرس هر جا
عند الحساب و فی الصراط و هوله	انت الملاذ الملجأ المتشفع
بهنگام حساب و در صراط و خوف و هول آن	گریز ما بسوی تو است هستی شافع و ملجأ
صوان انت و احمد من اصله	اهل الشفاعة منکما یتفرع
تو و احمد بنسبت چون دو نخلید از یکی ریشه	امامان شفاعت پیشه شاخ و برک این تنها
ارجو بکم یوم الندامت راحة	عن هول نار من لظاها یفزع
امیدم از همه راحت بود روز پشیمانی	زهول آتشی کز شعله اش خوفیست در دلها
و الجنة العلینا اللتی ارجاها	من ساحة السبع الطریق اوسع
امید دیگرم باشد بهشت بر تر و واسع	که اطرافش بود در وسعت از هفت آسمان بالا
صلی الاله علیهم متوالیما	من کواکب یهوی و نجم یطلع
فرستد رحمت خود حق بر ایشان جمله بی در پی	شود تا کواکبها بطز مشرق دیگری پیدا

رتال جامع علوم و فنون

قطعه دیگری از اشعار ایشان موجود است که در جواب ابن حجر معاند معروف سروده شده است و شعر ابن حجر اینست

ما ان للنسر داب ان یلد اللذی	سمیتوه بزرعکم انسانا
فعلی عقو لکم العفا فانکم	ثلثم العنقاء و الغیلانا

«ابن حجر» ندانسته و بیان خواسته است بدانند که شیعه نمیگوید که حضرت حجة ابن الحسن صلوات الله علیه از سرداب بیرون میآید . شیعه میگوید که فرزند حضرت امام حسن علیه السلام بنا به حکمت بالغه الهی در مکان معروف سرداب که خانه مسکوئی خود حضرت بوده از انظار غایب شده و قریب هفتاد سال بوسیله سفراء خود با شیعیان در تماس بوده و

هیچگاه فیض وجودش از خلائق منقطع نگردیده است .

وجود مبارک کش فی المثل چون خورشید تابان از پس ابر پر تو افشانی کرده جهانیان را نور و ضیاء میبخشد ولی فیض خاص آن وجود مقدس مخصوص کسانی است که جان را از آلودگی تن شسته و روح را با تقوی و اخلاص صفا بخشیده اند . اینان از فیض حضورش مستفیض و از چشمه حیات بخش و لایش جرعه نوشند

منکرین وجود مبارک کش خفاش صفت در تاریکی سر بیرون میکنند و خورشید تابان جمالش را ندیده میانگارند . این نقص از خفاش است که چشمش تاب مشاهده جمال خورشید را ندارد و الا خورشید که از نور افشانی دریغ ندارد .

این غیبت در انبیاء سلف هم سابقه داشته چنانکه حضرت موسی بن عمران علیه السلام مدتی از میان قوم خود غائب شد . انبیاد دیگر هم بعضی بنا بحکمت بالغه پروردگار غائب و سپس ظاهر میشدند . خوبست ابن حجر ها و تا بعینش به کتب سیر و تواریخ مراجعه نمایند و از عناد دست بردارند .

**اثبات الوصیه** مسعودی رحمه الله علیه مفصلاً باین در غیبت انبیاء علیهم السلام ذکر میکند که خواهد بداند انجا و کتب مر بوطه دیگر مراجعه نماید در این مقال سخن بسیار است ولی ضیق مجال فرصت نمیدهد که گماهو حقه سخن با تمام رسد اکنون اشعاری که صاحب ترجمه رحمه الله علیه در رد عقیده ابن حجر و بر همان وزن سروده است نقل میکنیم و جمله ای که خود ایشان در سر لوحه اشعار نوشته اند اینست :

**و ایضاً ما قلته فی جواب ابن حجر حیث قال فی الطعن علی الشیعه فی وجود  
الصاحب علیه السلام .**

اف لکم و لقولکم بتعنن	فی جهد نور ابهر هدیانا
ان الاله قد اختفی سجناته	عمن غمدا لظهوره عیانا
هل بنکر النور البهی لانه	حرم الوطاوط در که نقصانا
ام یمنع المزن المهبذب فیضه	لا بل بضیعی علی الوری لعمانا
فی ترک حق و اقتناء ضلالة	قفیتم استبعاداً استحسانا
انسیتم خضرا و نوحا و المسیح	و بجهلکم ارضیتم الشیطانا
متم بجهل فی امام زمانکم	عشنا بعلم فیہ والا یماننا
عشتم و نور الحق خلف ظهورکم	متنا و سعی نورنا تلقاننا
فبقولکم فی الجاهلیة بالهدی	انسیتم العنقاء و الغیلانا
مولای روح روحنا بظهورکم	عجل بروحک روحنا مولانا
یارب فاملا ارضنا بالعدل	من بعد ما فیها طفوا عد وانا

در ذیل این اشعار صاحب ترجمه نوشته است : کلاهما من منظومات اقل الخلیقه ابوالقاسم

بن الحسن الجیلانی فی شهر سنه ۱۲۰۰